

جمعه گردی های اسماعیل نوری علا

گزارشی نروزی به سکولار دموکرات های ایران

دریغ فایده ندارد. سالی رفته است و باز نخواهد گشت. اما تو آیا دقایق اش را به بطالت گذرانده ای؟ آیا آرزوهایت را به جوی روانی که به صحرا می رسد و میرنده در زمین فرو می رود سپرده ای و با آنچه «مقدر» پنداشته ای آشتی کرده ای؟ باری، بر زمینه این پرسش ها است که از خوانندگان نوشته هایم اجازه می خواهم تا روبروی آنها بایستم و از آنچه که در سال گذشته بر گفتمان «سکولار دموکراسی» رفته بگویم؛ چرا که سال ها است مشغله ای دیگر در سر ندارم و زمین و زمانه و تیک تاک ساعت دیواری را نیز با همین خیال «به پیمان می زنم».

esmail@nooriala.com

پیشدرآمد نروزی

در ایام نروز، برای قلم های ایران دوست، هر کاری می تواند ناکارآمد باشد جز نوشتن از «کرده» خویش» و مطرح کردن اندیشه هائی برای سال پیش رو، آن هم بر اساس دست آوردهای از سال رفته. روزها و شب های نروزی هنگامه سفری محسوب می شوند که هم در «آفاق» و هم در «انفس» انجام می شود. هم صحرا و در و دشت آفاق مصفا می شوند و هم انفس (که جمع «نفس» است و درون آدمی را بیان می کند) می توانند بکوشند تا پاک و آراسته از کژی ها و کاستی هائی شوند که حضورشان در آدمی گریزناپذیرند. ایام نروزی لحظه گذر هر ایرانی از آتش باستانی است؛ تکرار این ورد تپنده است که: زردی من از تو / سرخی تو از من! خانه تکانی روح و ذهن، و نوزائی اندیشه و عزم است؛ لحظه ای است که می توانی برای سال پیش رویت برنامه بریزی، با خود بر سر پیمان های پا بر جا عهدی نو کنی، خود را از زنگار عادات و محافظه کاری ها و مصلحت جوئی های حقیر بیالائی و از درون خود آدمی دیگر را، که لایق تر جان و جهان های شریف باشد، بیرون کنی.

در ایام نروز می توان در آینه ذهن به خویشتن و آنچه در سالی که گذشته و به تاریخ پیوسته نگرست و دخل و خرج ذهنیت خویش را به قاضی محاسب منصف زمانه سپرد. نه! دریغ فایده ندارد. سالی رفته است و باز نخواهد گشت. اما تو آیا دقایق اش را به بطالت نگذرانده ای؟ آیا آرزوهایت را به جوی روانی که به صحرا می رسد و کاهنده و میرنده در زمین فرو می رود نسپرده ای و با آنچه «مقدر» پنداشته ای آشتی نکرده ای؟

و بر زمینه این پرسش ها است که از خوانندگان نوشته هایم اجازه می خواهم تا من نیز روبروی آینه ای آنها بایستم و از آنچه که در سال گذشته بر گفتمان «سکولار دموکراسی» گذشته است بگویم؛ چرا که سال ها است مشغله ای دیگر در سر ندارم و زمین و زمانه و تیک تاک ساعت دیواری را نیز با همین خیال «به پیمان می زنم».

پیش زمینه محاسبه

در آغاز سالی که گذشت، در اواخر فرودین پیش، برای ما کسانی که خود را «سکولار دموکرات» می خوانیم، کارمان با این پرسش جمع بندی گونه آغاز شد که «سکولار دموکرات های ایرانی با چه

دست آوردی پا به میدان سالی دیگر از اندیشه و آرزو و پی گیری می گذارند؟» در همان زمان، برای پاسخ گویی به این پرسش، چند نکته بر ما کاملاً روشن شده بود:

1. مبارزه با حکومتی که از دل یک انقلاب گسترده برخاسته باشد، حتی با علم به اینکه خاستگاه

اش نقشه ریزی و کمک خارجی و تکیه بر خدعه های کهن دینکارانی مانده در اعماق تاریخ باشد، کار آسانی نیست. مبارزه که هیچ، حتی خبر کردن جهان و جهانیان از حادثه شومی که ملتی سرفراز در تاریخ را به حضيض ذلت کشانده وقت می برد. اپوزیسیون این حکومت (یعنی آنان که به هیچ وجه نمی خواهند این رژیم بر کشورشان مسلط باشد) باید در راستای «افشاگری» خبثت ها و بدکاری های این رژیم تلاشی همه سویه کرده باشد، آنگونه که کمتر کسی در سطح کره خاکی باشد و نداند حکومتی فریبکار، دروغزن، دژخیم خو، سرکوبگر و بی اعتنا به ملت و منافع ملی بر کشور ما حکومت می کند. حتی، آقایان «اوباما و کری» هم که، به خاطر منافع سیاسی و حزبی خودشان، در حسرت امضای قراردادی با جنایتکاران این رژیم می سوزند، مجبورند به این نکته اعتراف کنند که «به این رژیم نمی توان اعتماد و اطمینان کرد و باید وسائلی را تعبیه نمود که بتوان در وقت کافی نسبت به تعهد شکنی و پشت پا زدن رژیم به هر قراردادی واکنشی بازدارنده داشت». و این دست آورد کمی برای اپوزیسیون «حکومت اسلامی» نبوده است و نیست.

2. اما اپوزیسیون این حکومت نمی توانسته تنها به «افشاگری»، آن هم در زمانی که مدت ها

است این کار به حد اشباع رسیده، اکتفا کند. در پی مرحله «افشاگری»، اپوزیسیون حکومت اسلامی مرحله دیگری را نیز پشت سر گذاشته است. از سال 78 و آغاز جنبش دانشجویی تا سال 88 و شکل جنبش سبز، جوانان وطن ما آرام آرام با «بدیل» یا آلترناتیو حکومت های مذهبی آشنا شده و به آن دل سپرده اند؛ نخست با کشف ضرورت استقرار سکولاریسم بر کشور و سپس با مشروط کردن آن سکولاریسم به دموکراسی. برخاسته از اعلامیه جهانگستر حقوق بشر؛ آنگونه که سکولاریسم نتواند خود تبدیل به ماشین بازتولید استبداد شود.

3. پس، باید اذعان داشت که در سرآغاز سال گذشته همه چیز آماده ورود به مرحله سوم عمر

اپوزیسیون حکومت اسلامی بود؛ مرحله ای که می توان بدان عنوان «مرحله تشکیلات سازی» را اطلاق کرد. افشاگران و گفتمان سازان کار خود را کرده بودند. امکانات تکنولوژیک جدید رسانه ای فاصله های داخل و خارج را از میان برداشته بود و می شد با هموطنان به گفتگو نشست. اما کدام مبارزه است که بدون وجود «تشکیلاتی هماهنگ کننده» بتواند به بدفرجامی نیانجامد؟ به همین دلیل سال 1392 را می شد سال آغاز تلاش برای ایجاد تشکیلاتی برآمده از اندیشه سکولار دموکراسی دانست. در آن سال، تنی چند آدم علاقمند، و آماده خدمت بی چشم داشت به پاداش، قدمی را در این راه برداشته و چنین تشخیص داده بودند که سکولار دموکراسی باید دارای سندی پایه ای باشد که در آن از یکسو مشخصات یک فرد سکولار دموکرات توضیح داده شود و، از سوی دیگر، اهداف مشخص هر تشکیلی که حول محور سکولار دموکراسی بوجود می آید تشریح شود. این امر منجر به تهیه سندی به نام «پیمان نامه عصر نو» شد که توانست امضای 145 روشنفکر و نویسنده و هنرمند و کوشنده سیاسی را بخود جلب کند و

به صورت نوعی مقدمه بر یک «قانون اساسی سکولار دموکرات» درآید که بتوان در آینده همهء ساختارها را بر فراز آن شالوده بنا کرد.

4. حاصل دیگر کار برگزاری کنگره ای با نام «نخستین کنگرهء سکولار دموکرات های ایران» بود؛ با دو هدف توأمان: یادآوری اقدام شجاعانه ای که مادران و پدران ما، آباء مشروطه، در 107 سال پیشتر بر آن اراده کرده، و آغاز عصر نوین تاریخ ایران را با برقراری حکومت مشروطه کلید زده بودند و، دو دیگر، مظنه زدن بر اینکه اپوزیسیون حکومت اسلامی تا چه حد خود را برای ایجاد تشکیلاتی هماهنگ کننده برای مبارزه آماده کرده است. خوشبختانه، از دل آن کنگره دو نهاد جدید بیرون آمده بودند: یکی «جنبش سکولار دموکراسی» ایران نام گرفته و چند نفری مأموریت اجرائی کارهای آن را بجان خریدند و دیگری «مجمع سازمان های سکولار دموکرات ایران» بود که می کوشید به همهء سازمان های سیاسی هشدار دهد که اگر سکولار دموکرات و آلترناتیو خواه هستید به هیچ بهانهء دیگری برای وحدت در مبارزه علیه حکومت اسلامی مسلط بر کشورمان نیاز ندارید.

5. بدین سان، سال گذشته با این پیش زمینه آغاز شد و «جنبش» کوشید سکولار دموکراسی را بر سر زبان ها بیاندازد و «مجمع» تلاش کرد تا نشان دهد که سازمان های سیاسی مختلف، با هر فکر و اندیشه ای که دارند، می توانند در زیر پرچم سکولار دموکراسی گرد هم آیند.

سالی که گذشت

1. سال گذشته سال پا نهادن بر زمین های مین گذاری شدهء اپوزیسیون بود و این راهپیمائی پر مخاطره با این پرسش آغاز شد که «اگر دیگرانی همین مسیر را پیموده اند و یا می پیمایند آیا بهتر آن نیست که ما دست به دوباره کاری زنیم و گروه خود را در تشکیلاتی که آنان فراهم می آورند حل کنیم؟» بنا بر این نیت، در تمام طول سال، تک تک گردهمائی ها و ائتلاف ها و تشکل هائی که وجود داشتند مورد مطالعه قرار گرفتند. حاصل این مطالعه آن بود که فهرستی از دلایل ناکافی بودن کوشش ها برای ایجاد ائتلافی در صفوف اپوزیسیون حکومت اسلامی تهیه شد و از دل این فهرست «معیاری چند وجهی» به دست آمد که بر بنیاد کوشش برای تفکیک «هدف» از «راهبرد» (استراتژی)، و «راهبرد» از «راهکار» (تاکتیک) عمل می کرد و با استفاده از آن می شد ضعف ها و فتورهای کوشش های دست اندرکاران را سنجید و توضیح داد. صادقانه می گویم که قصد ما از این مطالعه و سنجه آفرینی رد دیگران و توجیه درستی کار خودمان نبود؛ اما واقعیت های پیش رو به ما می گفتند که:

- هدف مبارزهء اپوزیسیون حکومت اسلامی نمی تواند امری جز برانداختن آن و لغو قانون اساسی اش باشد. این «سنجه» بلافاصله خط کشی های ما را با «اصلاح طلبی» روشن می ساخت و «انحلال طلبی» را در مقابل آن می نشاندد. در عین حال، ایراد ما نسبت به آنان که خود را «انحلال طلب» می دانستند اما «انحلال طلبی» را همچون هدف خود نمی پذیرفتند و اعلام اش نمی داشتند آن بود که اگر هدف را گم کنید تا آخر به بیراهه خواهید رفت و آب در هاون خواهید کوبید. چرا که هر «هدف» که جز «انحلال حکومت» باشد تنها راه به اصلاح طلبی می برد!

- آنگاه، وقتی هدف روشن باشد، انسان در گیر مبارزه ناچار است «راهبرد» خود را نیز بر اساس همین هدف تنظیم و کوک کند. و از این «قاعده» این «استدلال» استخراج شد که چون کار انحلال طلبی، همچون یک هدف، نمی تواند بخودی خود به سرانجامی مطلوب برسد، و برای تحقق آن ناگزیر باید در جستجوی «عامل اجرایی» بود. در عین حال روشن بود که این «عامل اجرایی» در هیچ یک از سازمان های موجود، که یا انحلال طلبی را هدف خود نمی دانستند و یا اگر چنین اعلام می کردند از قاعده تعیین «عامل اجرایی» سر باز می زدند، تحقق پذیر نیست و لذا باید آن را بوجود آورد. دست اندرکاران جنبش این «عامل اجرایی» را «آلترناتیو سکولار دموکرات و انحلال طلب» نام نهاده و در سراسر سال بر سر پذیراندن این «استراتژی» با دیگران به گفتگو نشستند.

- از آنجا که ترفندهای مبارزاتی گوناگون، همچون «خواستاری انجام انتخابات آزاد» یا انواع دیگر «مطالبات»، دارای ماهیتی تاکتیکی (راهکاری) هستند، آشکار بود که تعیین تاکتیک ها بر عهده «آلترناتیو منحل کننده حکومت» است که هنوز بوجود نیامده و نه سازمان های سیاسی منفرد و متفرق. یعنی درک ما این بود که اگر چنان آلترناتیوی بوجود آید آنگاه هدایت مبارزه و اتخاذ تصمیم در مورد «راهکار» های مبارزه تنها با آن خواهد بود و هیچ تشکلی، از جمله «جنبش سکولار دموکراسی ایران»، را نمی توان در سطح آن آلترناتیو ارزیابی کرد و نقشی را که «آلترناتیو» می تواند بازی کند از آن انتظار داشت.

- در مرداد ماه سالی که گذشت، دومین کنگره سکولار دموکرات های ایران در شهر بوخوم آلمان با شرکت بیش از صد نفر کوشنده سیاسی که به خرج جیب خود به بوخوم آمده بودند، تشکیل شد و، طی دو روز، بحث های مختلفی پیرامون آنچه آمد در جلسات آن انجام شد. از نظر من، مهمترین دست آورد هم این بود که دو اصطلاح «انحلال» و «گذار» بهم نزدیک شدند، چرا که آشکار شد «اهل گذار از حکومت اسلامی» با «اهل توقف در حکومت اسلامی و اصلاح آن» متفاوت اند و اصلاح طلبی را نه برای حفظ رژیم که بمنظور سست کردن پایه های آن مورد حمایت خود قرار می دهند. این اکتشاف یکباره حوزه سکولار دموکراسی را وسعت چشم گیری بخشید و موجب شد تا امکان گفتگوهای بیشتر مابین «اهل انحلال» و «اهل گذار» فراهم شود.

3. همچنین، هم از آغاز سال 1393، بر کوشندگان این راه آشکار بود که، با توجه به گستردگی عددی ایرانیانی که جانشین حکومت اسلامی را حکومتی سکولار می دانند، دیگر یک گروه متشکل از چند نفر که خود را سکولار دموکرات بخوانند نمی تواند «جنبش سکولار دموکراسی ایران» نام گیرد و جنبش را به آن گروه تقلیل دهد. اکنون ریشه های درخت سکولار دموکراسی در خاک خود ایران نیز همه جا را فراگرفته و جنبشی را بوجود آورده بود که اگرچه هنوز تعین مادی مشخصی نداشت اما بی شک روزی بر مسیر خیابان های ایران جاری می شد و مواعی را که دینکاران و عوامل شان بر سر راه تحقق حاکمیت ملی ایجاد کرده اند در هم می شکست. پس، در کنار فعالیت برای جلب نظر اهل سیاست و مبارزه، اندیشه «بازسازی تشکیلاتی» نیز در برنامه کار قرار گرفت و نتیجه این شد که، در آخرین روزهای سال 1393، اعضاء تشکلی با نام «جنبش سکولار دموکراسی ایران» نام تشکیلات خود را به «نهاد هماهنگی جنبش سکولار دموکراسی ایران» تغییر دادند و، بدین سان، بر وسعت دم افزون جنبش

در داخل و خارج ایران تأکید نمودند. «نهاد هماهنگی» ابزاری خدماتی است برای اینکه در راستای هدف انحلال حکومت اسلامی، و در اجرای استراتژی موسوم به «آلترناتیو» سازی، عمل نموده و در این مسیر بر دست آوردهای «کنگرهء بوخوم» تکیه کند. نگاهی به استدلال زیربنائی این تصمیم می تواند کمک رسان درک آن باشد:

«بنا بر این واقعیت که خواست استقرار "دمکراسی"، بدون یک "قانون اساسی سکولار" که مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد، به هیچ صورتی تحقق پذیر نخواهد بود، بخش بزرگی از ملت ایران، با رنگین کمانی از باورهای گوناگون سیاسی و اعتقادی، به این نتیجه رسیده است که یگانه پادزهر حکومت اسلامی مسلط بر کشور، الغای قانون اساسی این حکومت مذهبی و انحلال نهادهای ایدئولوژیک و مذهبی برآمده از آن است. بیش از سه دهه پس از استقرار حکومت مذهبی کنونی، جوشش و جنبش سکولار دمکراسی در ایران، بر محور چنین مطالبهء برحق، پویا و فراگیر شده است. این جنبش بر این باور است که یک حکومت سکولار دمکرات، که بنا به فلسفه وجودی اش بی طرف خواهد بود، چتری حمایتی بر سر همهء افکار و عقاید پایبند به دمکراسی می گستراند. این جنبش یک جوشش ملی است و، لذا، هیچ فرد و یا گروهی نباید و نمی تواند ادعای مالکیت انحصاری بر آن را داشته باشد.»

4. اساسنامهء جدیدی که در سرآغاز سال نو برای «نهاد هماهنگی جنبش سکولار دموکراسی»

تعبیه شده و جانشین «اساسنامهء جنبش» می شود و همهء دست آوردهای دو سال (و حتی پنج سال) گذشته را در خود جای داده است، به شرح خلاصهء زیر، حاوی تغییرات تشکیلاتی مهمی است:

- ارائهء تعریف جدیدی از عضویت. از این پس عضو نهاد کسی است که داوطلبانه قصد فعالیت سیاسی دارد و برای عضویت خود بهائی مادی نیز می پردازد. این واقعیت جالب که اعضاء مؤسس «جنبش» خود به لغو عضویت نوع قبلی و استقرار عضویت نوع جدید رأی دادند و، بدین سان، از خود سلب عضویت کردند تا از طریق پرداخت حق عضویت به تشکلی که اکنون «نهاد هماهنگی جنبش» نام گرفته برگردند نشانه ای سخت دلگرم کننده بود و این امید را بر می انگیخت که با تبلیغ گسترده تر بتوان دامنهء اینگونه عضوگیری فعال را وسعت بخشید.

- عضویت در نهاد هماهنگی جنبش بصورت فردی و سازمانی انجام می شود و سازمان های عضو

نهاد نیز می توانند با پرداخت حق عضویت در فعالیت نهاد هماهنگی شریک شوند و، در عین حال، استقلال مجمع خود را نیز حفظ نمایند.

- از این پس، هر ساله، «اعضاء جدید نهاد هماهنگی»، که تعهد خود به «پیمان نامهء عصر نو» و

اساسنامهء جدید را می پذیرند، دبیران دبیرخانهء نهاد هماهنگی را از میان خود انتخاب می کنند. این دبیرخانه شامل چند دفتر خدماتی خواهد بود.

- در کنار این دبیرخانه یک «دفتر سیاسی» با شرکت سه دسته شخصیت سیاسی بوجود می

آید: اعضاء منتخب دبیرخانه، دو نماینده از هر سازمان عضو نهاد هماهنگی، و کسانی که «دفتر

سیاسی» از میان اعضاء نهاد هماهنگی انتخاب و برای شرکت در جلسات این دفتر دعوت می کند.

- بدین ترتیب «دفتر سیاسی» دارای درهائی گشوده است که اعضاء منتخب نهاد، همراه با نمایندگان سازمان های سکولار دموکرات و شخصیت های منفردِ دعوت شده از طریق آنها، به این دفتر می پیوندند و آن را بصورت یک «مجلس رایزنی سیاسی» در می آورند.

- در این اساسنامه ذکری از «کنگرهء سالیانهء سکولار دموکرات های ایران»، که تا کنون دو بار در دو شهر واشنگتن دی.سی امریکا (1392) و بوخوم آلمان (1393) تشکیل شده، نیامده است؛ چرا که تجربه نشان داده که چنین کنگرهء عامی نمی تواند جزئی از یک تشکیلات هماهنگی مختصر باشد و لازم است که برای ادامهء کار آن تمهیدات عمومی تری اندیشید تا همهء کسانی که، علاوه بر اندیشه و عقیدهء خاص سیاسی خویش، خود را سکولار دموکرات می دانند بتوانند در آن شرکت کرده و با دیگر سکولار دموکرات ها به هم اندیشی و گفتگو بنشینند تا احتمالاً بتوانند راه را برای وحدت عمل و احیاناً حرکت بسوی تحقق «آلترناتیو» مورد نظر هموار سازند. یعنی کنگره محل «گفتگو» خواهد بود و نه «تصمیم گیری های مشخص» و هر نتیجه ای هم که از آن به دست آید جنبه ای فرعی از کار کنگره محسوب خواهد شد.

به سوی کنگرهء سوم

بدین سان، آن دسته از سکولار دموکرات های ایران که در «نهاد هماهنگی جنبش» گرد آمده و خواهند آمد، و دبیرخانه و دفتر سیاسی نهاد را خواهند ساخت، در سال جدید ظرفیت جدیدی را تجربه می کنند و، در عین حال، خود را برای شرکت در کنگرهء سوم سکولار دموکرات های ایران آماده می سازند.

در این راستا و بزودی، شاهد تشکیل «کمیتهء بی طرف برگزاری کنگرهء سوم» خواهیم بود که وظیفه اش تنها تعیین شهر محل برگزاری کنگره، کرایهء تالار، تهیهء غذا، تهیه وسائل سمعی و بصری، تهیه امکانات پخش زندهء رادیو - تلویزیونی جلسات کنگره و همچنین انتشار دعوت نامه های عام و خاص از شخصیت ها و سازمان های سیاسی برای شرکت در کنگره خواهد بود.

نکتهء جالب اینکه ما، بخاطر کمبودهای مالی و نداشتن بودجهء چشم گیر، در سال گذشته مجبور شدیم تنها مخارج کرایه تالار و وسائل و نهار دو روز شرکت کنندگان را فراهم کرده و از آنان بخواهیم که خود عهده دار تهیهء بلیت سفر و اقامت در هتل خویش باشند. این تنگنا باعث شد تا با چشم خود شاهد استقبال گروهی از زبده ترین سکولار دموکرات های ایران باشیم که رنج و خرج سفر را بر عهده گرفتند و رنگین کمانی از عقیده و تفکر و اندیشه ورزی را با خود به بوخوم آوردند. این تجربه نشان داد که اگر کاری به درستی انجام شود کوشندگان مصمم سیاسی منتظر دعوت شدن و به خرج برگزار کنندگان به کنگره آمدن نمی شوند.

سال امید؟

می دانم که منتقدین سکولار دموکرات هائی که داستان شان را برایتان شرح دادم بسیارند. جدا از آن دسته که مغرضانه به کوشش های مختصر ما حمله می کنند، هستند یارانی که، با داشتن توقع و

انتظاری بیش از حد توان و امکانات ما، جمع مسئولین را به لحاظ کم کاری سرزنش می کنند. اما، در عین حال، هرگز ندیده ام که، با در نظر داشتن اهداف جنبش، پیشنهادی قابل اجرا ارائه شده و مورد توجه قرار نگرفته باشند. جنبش، و نهاد هماهنگی آن، محتاج کوشندگانی داوطلب و مثبت نگر و امیدوار اند که با خود هوای تازه ای از اندیشه و کنش سیاسی بیاورند و فضای مبارزه را با وجود اندیشهء روشن خود مصفا کنند. امید ما به دیدار این یاران پنهان در میان جمعیت میلیونی سکولار دموکرات های ایران است. اما بر اهل نظر روشن است که سال 1394 خود نمی تواند حامل امید و نومییدی باشد. این مائیم که آن را به سال امید یا سال نومییدی تبدیل می کنیم. این مائیم که می توانیم راه آرمانی کشته گان و شکنجه دیدگان و زندانیان سیاسی را با امید ادامه دهیم و خاوران هائی را که در وجدان ما حضوری دائم دارند، با کوشش خویش به گلستان تبدیل کنیم. باشد که چنین شود.

اول فروردین 1394 - 21 مارس 2015

با ارسال ای - میل خود به این آدرس می توانید مقالات نوری علا را هر هفته مستقیماً دریافت کنید:

NewSecularism@gmail.com

مجموعهء آثار نوری علا را در این پیوند بیابید:

<http://www.puyeshgaraan.com/NoorialaWorks.htm>

صفحهء نوری علا در فیس بوک:

<https://www.facebook.com/esmail.nooriala.5>